



مریم رجوی: آلترناتیو رژیم آخوندی در یک نبرد طولانی با استبداد دینی ریشه دارد

سخنرانی در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران در چهل و یکمین سالگرد تأسیس شورا

۳۰ مرداد ۱۴۰۱

سلام به دوستان و هم‌زمان شورایی در این‌جا و سایر کشورها. همگی خسته نباشید، و سلام‌های گرم ما به همه خواهران و برادران گرامی که در این‌جا و در کشورهای مختلف به‌عنوان اعضا و یا ناظر در اجلاس شورا شرکت دارند.

در آغاز خاطره دکتر هزارخانی مسئول کمیسیون فرهنگ و هنر شورای ملی مقاومت را گرامی می‌داریم. بعد از ۴۱ سال صندلی او در این اجلاس خالی است، اما میراث سیاسی و فرهنگی او در شورای ملی مقاومت الهام‌بخش نسلی است که برای سرنگونی رژیم و کسب آزادی به شورش و مقاومت برخاسته‌اند.

یادش به‌خیر که هر جا نبرد و مقاومت شعله می‌کشید، حاضر بود و با منطق برا و بیان شیوا از حقانیت مقاومت سخن می‌گفت و یادش به‌خیر که از سال ۶۰ و از هنگام تأسیس شورای ملی مقاومت، مساعدت برادرانه و رفیقانه، قلبی، قدمی و قلمی‌اش با مسئول شورا ستایش‌انگیز و آموزنده بود.

هم‌چنین گرامی می‌داریم خاطره زنده یاد دکتر صمد فتح‌پور یار صدیق مقاومت و برادر مجاهد بزرگوارمان عباس مدرسی‌فر با آن سابقه و پایداری طولانی در زندان‌های شاه تا اشرف و لیبرتی و یاد خواهر عزیزم مجاهد خلق حمیده طاعتی به‌خیر که الگوی جنگندگی و شجاعت بود.

به‌راستی که هر کدام از آن‌ها مظاهر مقاومت و وفای به عهد بودند و زندگی خود را وقف رهایی مردم ایران کردند.

هم‌چنین گرامی می‌داریم یاد شاعر و نویسنده مبارز آقای رحمان کریمی و مجید طالقانی را که بر اثر بیماری درگذشت.

گسترش جبهه‌های رزم با رژیم آخوندی

در فاصله اجلاس قبلی تا امروز دوره یک ساله‌ی را پشت سر گذاشته‌ایم که با گسترش جبهه‌های رزم و تلاش مقاومت ایران و جایگزین دمکراتیک و ارتقای فعالیت‌های آن برجسته می‌شود. این دوران مصادف است با ریاست جمهوری جلال ۶۷. دورانی که رژیم آخوندی در محاصره بحران‌های داخلی و خارجی به دو حربه همیشگی خود، یعنی اعدام و سرکوب وحشیانه زنان روی آورده است.

اعدام‌های ثبت شده در دوران رئیسی دست‌کم به ۵۲۰ فقره بالغ می‌شود که بسا بیشتر از سال‌های قبل است. تنها در ۵ روز اول مرداد، ۲۰ زندانی از جمله ۲ زن اعدام شده‌اند.

سرکوب زنان میهن‌مان در این ایام، تحت عنوان آخوند ساخته بدحجابی ابعاد بی‌سابقه‌ی به خود گرفته است. صحنه‌های دلخراش تعرض به دختران و زنان آزاده و شریف، وجدان هر انسانی را جریحه‌دار می‌کند.

کار به جایی رسیده است که تعرض به زنان به گورستان‌ها نیز راه برده و سنگ مزار بسیاری از زنان را به همین بهانه تخریب می‌کنند.

راستی که مذاکره و گفتگو با رژیمی که ننگ بشریت معاصر است، شرم‌آور و لگدمال‌کردن ارزش‌هایی است که جهان با صدها میلیون قربانی در سده‌های اخیر به دست آورده است. این رژیم باید از جامعه جهانی طرد شود.

در این دوره یکساله، نیروی سازمان‌یافته مقاومت در مقابل این رژیم که در قالب کانون‌های شورشی و شورا‌های مقاومت مردمی فعالیت می‌کنند، گسترش چشمگیری داشته و حملات و افزایش تهاجمات نظامی به قرارگاه‌های سپاه پاسداران که حتما همه شنیدید. در مهرماه سال گذشته دفتر شورای ملی مقاومت در واشینگتن یک افشاگری مهم داشت که افشای مراکز تولید و ساخت پهپاد توسط رژیم بود.

در سراسر سال گذشته، در هر فرصتی، مجاهدین و شورای ملی مقاومت دادخواهی قتل‌عام‌شدگان را در عرصه‌های حقوقی، اجتماعی و بین‌المللی پیش بردند. چه به صورت برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی یا انتشار کتاب، یا برپایی کنفرانس‌هایی با حضور حقوقدانان صاحب‌نام جهان. هم‌چنین فراخوان‌هایی برای تحقیقات فوری درباره قتل‌عام ۶۷ نظیر فراخوان ۴۶۲ تن از مقامات فعلی و پیشین سازمان ملل، حقوق‌دانان سرشناس، قضات و مقامات دادگاه‌های بین‌المللی و برندگان جایزه نوبل. در اوایل مهرماه سال گذشته، به دنبال فعالیت‌های حقوقی شورا، دادگاه فدرال سوئیس حکم خیلی

مهمی را صادر کرد که باعث شد به‌رغم گذشت بیش از ۳۰ سال، پرونده ترور دکتر کاظم رجوی بسته نشود و به عکس در چارچوب نسل‌کشی جنایت علیه بشریت مورد بررسی قرار گیرد و این دو عنوانی است که شامل مرور زمان نمی‌شود.

در تمام سال در کنش و واکنش با وقایع ایران، تظاهرات و اکسیون‌های متعدد در شماری از شهرهای مهم جهان توسط هواداران مقاومت جریان داشته است.

در زمینه مقابله با بسیج شیطان‌سازی و دروغ‌پردازی رژیم علیه مجاهدین و شورا، کمیسیون امنیت شورا ۲۶ سند محرمانه پرس‌تی‌وی را علنی کرد. این اسناد تا حدی پشت پرده تولید مستند، برنامه و اینفو کلیپ علیه مجاهدین برای وزارت خارجه و قضاییه جلادان را نشان می‌دهد که همه با پرداخت‌های کلان به شبکه «خبرنگاران دوست» صورت می‌گیرد.

شورای ملی مقاومت توانست برای باقی‌ماندن سپاه پاسداران جرار خامنه‌ای در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا نقش مهمی ایفا کرد.

از طرف دیگر با تلاش‌های مجاهدین و اشرف‌نشان‌ها، همبستگی جهانی با مقاومت گسترش پیدا کرد. حضور وزیر خارجه سابق آمریکا و همچنین معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا و برخی نخست‌وزیران سابق کشورهای اروپایی در اشرف ۳ و تأکیدات صریحی که در شناسایی حق مقاومت مردم ایران برای سرنگونی رژیم کردند، دستاورد تازه‌یی برای جنبش مقاومت مردم ایران است.

به همه این‌ها باید اضافه کنیم قریب یکسال کارزار بی‌وقفه در استکهلم که هم‌زمان با محاکمه دژخیم نوری صورت گرفت. مجاهدین و شورا موفق شدند چیزی را که ابتدا دسیسه پیچیده خود رژیم برای بی‌اعتبار کردن جنبش دادخواهی و هویت‌زدایی از مجاهدین سربره‌دار بود، به شکست رژیم تبدیل کنند و حماسه مقاومت بی‌نظیر مبارزان و مجاهدان سرموضع و سربره‌دار در برابر دیدگان همه در ایران و جهان قرار گرفت. و ضرورت محاکمه خامنه‌ای و رئیسی را به جرم جنایت علیه بشریت به ثبت رساند.

و بالاخره، کارزار علیه معاهده رژیم با دولت بلژیک برای در بردن دیپلمات تروریست، که از فصل‌های مهم فعالیت‌های یک سال اخیر است.

این کارزار در مرحله اول در مجموع ۲۰ روز طول کشید و هموطنان ما و اشرف‌نشان‌ها و اعضای مقاومت در کشورهای مختلف به اعتراض و تحصن و تظاهرات دست زدند و در مرحله بعد، کارزارهای سیاسی و حقوقی شروع شد که هنوز ادامه دارد.

دادگاه بروکسل، ممنوعیت برگرداندن دیپلمات تروریست بمب‌گذار را به رژیم آخوندی تا تاریخ ۱۹

سپتامبر یعنی ۲۸ شهریور برای رسیدگی محتوایی به درخواست شاکیان تمدید کرد. این دستاور کارزار جهانی مقاومت ایران و یاران شورشگر و هموطنان پشتیبان است و تا همین جا بسیار جای تبریک دارد.

اما در این کارزار آن چه برای همه چشمگیر بود، چه برای رسانه‌های داخلی و خارجی، چه برای پارلمان‌های بلژیکی در اپوزیسیون یا جناح حاکم و مشخصاً برای خود رژیم، قدرت بسیج و هدایت‌کنندگی شورا بود.

بر اثر فعالیت‌هایی که به صورت مختصر برشمردم، مقاومت ایران توانست طی سال گذشته در تشدید بحران سرنگونی رژیم تأثیر چشمگیری داشته باشد. هم‌چنین گسترش کمی ایرانیان و به‌ویژه جوانانی که به این مقاومت رو می‌آورند و سطح کیفی اثرگذاری آن‌ها به جد افزایش یافت. برنامه این شورا در خصوص برپایی یک جمهوری بر اساس آزادی و دموکراسی و رأی جمهور مردم، جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌های ستم‌زده بیش از همیشه با اقبال عمومی مواجه شد و شورا در جنگ آلترناتیو یعنی در کشاکش روزمره برای نشان دادن ضربه‌پذیری و بن‌بست رژیم و موقعیت سرنگونی به موفقیت‌های بسیار دست یافت و نشان داد که این جایگزین راه و راه‌حل و چشم‌انداز زنده و عینی است.

شورای ملی مقاومت شاقول مبارزه برای سرنگونی

وقتی از آلترناتیو صحبت می‌کنیم، یک ادعا یا عنوان کلی نیست که ما به‌ازا و اثری در تلاطم‌های روزمره نبرد با رژیم نداشته باشد.

بلکه نیرو و ساز و کار شکافنده و هدایت‌گری است که جهت را برای مجموعه فعالیت‌های مبارزاتی مشخص می‌کند و روشن می‌سازد چه گام‌هایی باید برداشت؛ در کدام جهت، با کدام شعار، با چه وحدت و تضادهایی و با کدام اولویت‌ها.

چیزی است که روزانه در زمین سخت و ناهموار مبارزه، حل‌المسائل جنبش است. هدف‌ها را نشان می‌دهد، سره را از ناسره تشخیص می‌دهد، تمیزدهنده میان خط صحیح از انحراف است، دارایی خلق و مقاومت را از دستبرد رژیم و همدستان‌اش در امان نگه می‌دارد و در یک کلام شاقول مبارزه برای سرنگونی است.

در این جا می‌خواهم از کارکرد شورا به‌طور خاص در زمانه‌یی که بحران انقلابی ایران را فرا گرفته، صحبت کنم؛ درمورد نقشه مسیری که خامنه‌ای برای رژیم‌اش در نظر داشت، مسئول شورا از آغاز بر استراتژی انقباضی رژیم، به‌مثابه یک مسیر منجر به سرنگونی دست گذاشت و تأکید کرد که غیر

ممکن است رژیم به تعادل قبلی برگردد. به علاوه تئوری پدیده رئیسی جلاد را توضیح داد که «برآمد و بارزترین شاخص دوران سرنگونی است».(۱)

در قضیه اتمی، این معضل نظری و سیاسی را باز کرد که با رئیسی وارد مرحله‌ی شده‌ایم که حتی بمب اتمی هم نمی‌تواند این رژیم را نجات بدهد.

عنصر ماهوی سرکوب یعنی سپاه پاسداران را برجسته کرد که «ارگان محوری قهر و سرکوب نظامی و ابزار اصلی حفظ دیکتاتوری دینی است. لیست گذاری آن کافی نیست و باید منحل شود».(۲)

در حیطة مسائل اجتماعی و اقتصادی، شورای ملی مقاومت یک کارزار پیگیر و بی‌وقفه علیه استراتژی شوم خامنه‌ای در قضیه کرونا به‌راه انداخت به‌طوری که مطبوعات حکومتی نوشتند: «جریان معاند تمام تلاش خود را به‌کار می‌برد... تا در موضوع افزایش آمار مبتلایان و مرگ و میر کرونا، حاکمیت را در رأس مقصران اصلی قرار دهند و به تبع آن خامنه‌ای را ناجوانمردانه، مسئول این تلفات معرفی کنند».(۳)

شورای ملی مقاومت در کنش و واکنش فعال خود، پیوند ملیت‌های ستم‌زده با مبارزه سراسری را اکیداً تقویت کرد و توجه انظار عمومی را به این واقعیت، بیش از پیش جلب کرد که یگانه حامی هموطنان بلوچ و کرد و عرب در سطح سراسری همین جایگزین دمکراتیک است.

در مقابل تصمیم رژیم برای ۴ استانی کردن سیستان و بلوچستان، مقاومت ما این طرح را اقدامی برای «تفرقه اندازی در سیستان و بلوچستان» اعلام کرد و از دلیران بلوچ خواست در برابر آن مقاومت کنند.(۴)

با طرح تجزیه استان خوزستان و تقسیم آن به دو قسمت قویاً مخالفت کرد و هموطنان خوزستانی را به اعتراض علیه این طرح ترغیب کرد که چیزی جز منحرف‌کردن توجهات مردم از قیام و تفرقه‌اندازی بین اهالی خوزستان نیست.(۵)

پس از توپ‌باران مناطقی از کردستان عراق توسط رژیم کردکش ولایت فقیه، مسئول شورا گفت: «برای واپس‌نشاندن رژیم در توپ باران مردم بیگناه و احزاب کرد ایرانی در منطقه مرزی باید در شهرهای ستم‌زده کردستان ایران و سراسر کشور، مانند نمونه آب در خوزستان به اعتراض برخاست».(۶)

در قیام خوزستان، با دست‌گذاشتن بر نقش ویرانگر سپاه پاسداران تأکید کرد: «سپاه پاسداران خامنه‌ای باید از خشک کردن عمدی هورها که باعث فجایح زیست محیطی شده

مخصوصاً علیه هموطنان عرب ما دست بردارد و گورش را گم کند» (۷).
همچنین در مورد تحمیل گرانی و گرسنگی و بی‌خانمانی به مردم، مسئول شورا کنه سیاست
خامنه‌ای را نشان داد. حقیقت این است که بعد از کرونا، خامنه‌ای و رئیسی می‌خواهند با گرانی و
گرسنگی قتل‌عام کنند. حرف شورای ملی مقاومت این است که:
«ما بر خلع ید کامل خامنه‌ای و بیت او از یک هزار میلیارد دلار دارایی انباشته در ستاد اجرایی،
بنیاد ضد مستضعفان، آستان قدس و تعاونی‌های سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و اختصاص آن به
معیشت و اشتغال و درمان و آموزش تمام جمعیت کشور تأکید می‌کنیم».

تلاش خامنه‌ای برای انحراف جنبش

همگان در موضوع قیام‌ها و جنبش اعتراضی شاهدند که آخوندها سعی می‌کنند اعتراض‌ها را هر
قدر که ممکن است، غیرسیاسی و به‌خواست‌های محدود نازل کنند. تا به‌خصوص با نیروی محوری
قیام و کانون شورشی متصل نشوند. خامنه‌ای بارها تلاش کرده «مطالبات مردم» را به‌قول خودش با
«حرکات تخریب‌گرانه یک گروه» تفکیک کند. می‌خواهد جنبش خروشان مردم ایران را در
به‌اصطلاح مبارزه مدنی و گلایه‌کردن به‌مسائل حاشیه‌یی محدود کند.

در نقطه مقابل، شورای ملی مقاومت - چه در موضع‌گیری‌ها و کوشش‌های نظری و چه در اقدام‌های
عملی - مبارزات مردمی را به‌سمت نشانه‌گرفتن بیت خامنه‌ای و تقویت همبستگی ملی علیه هیأت
حاکمه سوق داده است

همچنین در مقابل این تاکتیک رژیم که بسیجی و حزب‌اللهی را به‌میان معترضان می‌فرستد تا
شعارهای انحرافی رواج بدهند، مقاومت ما به مبارزه سیاسی و نظری با انواع نمایش‌ها برای
خالی‌کردن قیام‌ها از روح سرنگونی برخاست. این مقاومت، دعاوی و شعارهای مروج نه‌جنگ با رژیم
که روش‌های به‌اصطلاح مبارزاتی بی‌هزینه را در خدمت بقای ولایت فقیه تبلیغ می‌کند، افشا کرد و
خیمه‌شب‌بازی موسمی آلترناتیوهای یکشبه را برملا کرد.

امروز، خواست سرنگونی رژیم که با این شورا و این مقاومت شناخته می‌شود، بر پیشانی جنبش
اعتراضی حک شده است.

شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر رئیسی و مرگ بر خامنه‌ای در حرکت‌های اعتراضی رایج شده
است. ما بر شعار «مرگ بر خامنه‌ای - مرگ بر رئیسی» به‌عنوان شعار اصلی مردم ایران و شعار
فراگیر قیام‌ها برای سرنگونی رژیم تأکید می‌کنیم.

دست‌آورد دیگر پیوند خوردن عملیات کانون‌های شورشی با واکنش مردم مظلوم نسبت به ستم و

سرکوب و خانه خرابی توسط رژیم است. به عنوان مثال عملیات کانون‌های شورشی در پاسخ به تخریب ضدانسانی سرپناه مردم توسط مزدوران سرکوبگر خامنه‌ای در زاهدان، خرم‌آباد، بهارستان و رباط‌کریم. یا پاسخ کانون‌های شورشی به اهانت و ضرب و شتم تنفرانگیز زنان به بهانه خمینی ساخته بدحجابی در مراغه و سایر شهرها یا تهاجم به بیدادگاهی که شهید قهرمان نوید افکاری را به اعدام محکوم کرد و یا در اعتراض به اعدام جوان شورشی، ایمان سبزیکار در جوققان. با همین رویکرد، کانون‌های شورشی با هدف قرار دادن مستمر حوزه‌های جهل و جنایت و مراکز آخوندپروری، دو واقعیت مهم را برجسته و بارز کرده‌اند؛ یکی بیزاری عموم مردم ایران از بساط دینفروشی آخوندهای حاکم و دیگری خواست مردم برای جدایی دین و دولت یعنی همان برنامه‌یی که از ۴۰ سال پیش در طرح‌های شورای ملی مقاومت اعلام شده است. روند گسترش کمی و کیفی کانون‌های شورشی از جمله پیام‌های صوتی و تصویری بیش از پنج هزار تن از کانون‌های شورشی یکبار دیگر، پشتوانه اجتماعی مقاومت را آشکار کرد. موضوع این است که یک نسل جوان و شورشگر به نیروی جنگنده ضد رژیم و سرنگون کننده و به جایگزین دمکراتیک و مبارزه برای براندازی رژیم رو آورده است.

معاون قضاییه جلادان گفت: «در یک برهه‌یی عقیده بر این بود که مجاهدین یک گروهکی است که هیچ طرفداری ندارد و نیازی نیست که ما دیگر اسمی از مجاهدین ببریم، اما ما نظرمان این نیست و از سال ۱۴۰۰ یک فشار سنگینی به کشورهایی که میزبان گروه‌های مجاهدین هستند وارد شد.» (۸)

بله، مقاومت ایران آخوندها را به جایی رسانده که از سال‌های سال انکار فریبکارانه پشتوانه اجتماعی مجاهدین پشیمان شده و غلط کردم می‌گویند و سرانجام در موضوع وحدت نیروهای خلق در مقابل رژیم ولایت فقیه، مسئول شورا بر اساس تجربه پر رنج و خون مقاومت ایران، این راه‌حل پیشرو و حقیقی را ترسیم کرد که:

«اتحاد و همبستگی، در میدان عمل برای سرنگونی استبداد دینی موضوعیت پیدا می‌کند و محک می‌خورد. این به‌گونه‌یی درون‌جوش و قانونمند، صفوف را تصفیه و از شیخ و شاه، از استبداد و وابستگی، و از فرصت‌طلبی و میوه‌چینی و موج‌سواری، پالایش می‌کند.» (۹)

عینی‌ترین سند پیروزی

می‌خواهم نتیجه بگیرم که این آلترناتیوی است که ریشه‌هایش در یک نبرد بی‌امان و طولانی با استبداد دینی محکم شده است. نیرویی که در مقابل یک فاشیسم دینی ایستاده، خودش را

سازمان داده طرح و برنامه داشته و قیمت ایستادگی را روز به روز پرداخته است و در این سال‌ها هر چه شرایط سخت‌تر می‌شود بر تعهد پذیری و جنگندگی‌اش افزوده می‌شود. هم‌چنین بر مرزبندی‌هایش ایستادگی کرده و بر اصول و ارزش‌های دمکراتیک و آزادی‌خواهانه پا فشرده و آن را از آسیب و گزند دشمن در امان نگه داشته است.

اگر نبود این عزم جزم برای ایستادن به هر قیمت در برابر فاشیسم دینی در تمام پهنه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، راستی سرنوشت ایران و مردم ایران با یکه‌تازی استبداد خون‌آشام و مهیب چه می‌شد؟

به سرفصل‌ها که نگاه کنیم از سی خرداد تا سه مرداد سالگرد عملیات فروغ‌جاویدان تا شش و هفت مرداد، روزهای ایستادگی مجاهدان اشرفی با دست خالی در برابر حمله مزدوران مالکی و تا ۷ مرداد پرواز مسعود رجوی از قلب فرودگاه شکاری تهران، همه اینها یک چیز را بازگو می‌کند: این‌که تاریخچه این مقاومت که پر از سرفصل‌های حیاتی و تصمیم‌گیری‌های پر ریسک و پر قیمت بوده، رژیم را به این شکنندگی و استیصال رسانده و این مقاومت و آلترناتیو را در حداکثر تهاجم قرار داده است.

بی‌دلیل نیست که از مسئول شورا تا تک‌تک شما این چنین آماج حملات شیطان‌سازی و دروغ‌پردازی‌های رژیم هستید.

ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های اثبات شده شورای ملی مقاومت در جنگ آلترناتیو، به این معنی است که یک رشته تضادهای اساسی درباره سرنوشت خلق و انقلاب و ایران و ایرانی پاسخ شایسته خود را در این جایگزین پیدا کرده است. با وجود این جایگزین، سرنگونی رژیم، آرامش و ثبات و وحدت و تمامیت کشور را نیز در خود دارد.

قیام‌های خروشان چند سال اخیر اثبات کرد که مردم ایران از هموطنان عرب تا هموطنان کرد و بلوچ و ترک و ترکمن و قشقایی و بختیاری، همه اجزای یک پیکر واحدند و در برابر دشمن ایران و ایرانی یعنی ولایت فقیه متحدند. شورای ملی مقاومت بر خودمختاری در چارچوب کشور واحد و تجزیه‌ناپذیر تأکید دارد.

سرانجام این‌که این جایگزین با مجموعه برنامه‌ها، طرح‌ها، نظرگاه‌ها و به‌خصوص با پیشتازی‌اش در نبرد با رژیم ولایت فقیه هم پاسخ بغرنجی‌های مبارزه امروز و هم راه‌حل مسائل ایران فرداست. یادش به‌خیر دکتر هزارخانی که درست سال گذشته در همین روزها در اجلاس شورا می‌گفت:

«وقتی مجاهدین در کارزار سنگین جهانیشان علیه خمینی افق تنگ مقاومت را باز کردند، به صراحت گفتم و نوشتم که مجاهدین ذهن جامعه ایران را از قرون وسطی کردند و به دوران حاضر منتقل کردند» ...

با دروذهای بسیار به معمار و برپادارنده این مقاومت که در این شرایط حساس و بخرنج و پیچیده، مجدداً سلسله آموزش‌های نسل جوان را به زبان ساده آغاز کرده و تربیت نسلی رویان و شکوفان و جنگنده و پیشتاز را تضمین کرده است.

آلترناتیو شورای ملی مقاومت ثمره مشقت‌ها و خون جگرهای یک خلق به‌پاخاسته است و در عین حال، زنده‌ترین و عینی‌ترین سندی که پیروزی حتمی مردم ایران را گواهی می‌کند.